



درباره یک تبعیض آزاردهنده

جامانده از شرح ماجرای ماهشهر



سابق امامی

دبیر گروه بین الملل

۱۲ آذرماه از اهواز به تهران برگشتم تا گزارش آنچه را که در دو روز گذشته در اهواز و ماهشهر درباره حوادث پس از گرانی بنزین دیده و شنیده بودم، بنویسم. تا آخر وقت در تحریریه روزنامه گزارش را نوشتم و ۱۳ آذرماه «شرح ماجرای ماهشهر» تیتربیک روزنامه «فرهیختگان» شد. مطمئن بودم کارم را درست انجام داده‌ام. این را از تایید سردبیری و بازتاب روز چهارشنبه گزارشم در رسانه‌ها فهمیدم؛ اما اشتباه می‌کردم. من کوله‌باری از خاطرات و روایات را با خودم از ماهشهر به تهران آورده بودم؛ فراموشی شنیده‌ها و دیده‌ها به این بهانه که گزارشم را نوشته‌ام، کار چندان آسانی نبود و مرا یک بار دیگر به ماجرای ماهشهر کشاند.

در این گزارش علاوه بر آنچه شاهدان گفتند و نظرانی که در سایت‌های مختلف به ویژه سایت الف درباره گزارشم نوشتند، از مقاله‌ای که اسماعیل غلامی پور، دکتری جامعه‌شناسی و عبدالحسین کلانتری، دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران درباره «شکل‌گیری جامعه دوگانه در شهرهای نفتی ایران با تاکید بر شهرستان ماهشهر» نوشته‌اند، کمک می‌گیرم تا بهتر بگویم ماهشهر چه مسیری را طی کرد تا به اینجا رسید.

شهرک‌های متفاوت

در استان خوزستان کم نیستند شهرهایی که شهرک‌های خاص و ویژه در آن پیدا نباشد. این شهرک‌های ویژه را نخستین بار انگلیسی‌ها براساس مهندسی اجتماعی تجربه‌شده در مستعمره‌های خود ساختند و عملاً به لحاظ فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی خود را از اجتماعات بومی و غیربومی جدا کردند. بریتانیایی‌ها این شهرها را براساس آنچه امروزه به آن «جامعه دوگانه» می‌گویند که برگرفته از مفهوم «شهر دوگانه» است، طراحی کردند. در شهر دوگانه، امکانات رفاهی و شهری به‌صورت دوگانه و ناعادلانه در سطح شهر توزیع شده است. این دوگانگی پس از انقلاب نه‌تنها پایان نپذیرفت که در مواردی تقویت شد تا یک شکاف عظیم بین محلات برنامه‌ریزی شده نفتی و محلات غیررسمی و حاشیه‌ای نامنظم، فقیر و کثیف شهری در شهرهای نفتی ادامه پیدا کند. ماهشهر هم مثل بسیاری دیگر از شهرهای استان، گرفتار این دوگانگی گسترده از مسائل

اقتصادی تا فرهنگی، اجتماعی و حتی بهداشتی و آموزشی است. در ماهشهر شرکت نفت و پتروشیمی سه شرکت-شهر «ناحیه صنعتی»، «بعثت» و «جراحی» را برای جمعیت شرکتی ساختند تا براساس همان الگوی انگلیسی‌ها با کیفیت



شهرسازی که در فصل تابستان بتوان از آن استفاده کرد نمی‌بینید. ضمن اینکه این شهر فاقد سینما، استخر یا سایر مجتمع‌های تفریحی و سرگرمی است.»

رد این تبعیض را می‌توان در حوزه خدمات بهداشتی هم یافت. مردم بومی در این شهرها در حالی با کمبود امکانات پزشکی مواجه هستند که بیمارستان‌های نفت و پتروشیمی خدمات پیشرفته‌ای به کارمندان‌شان ارائه می‌دهند. مشاهده این وضعیت حس تبعیض و نابرابری وسیعی در جامعه محلی به وجود آورده است. الان البته وضع کمی بهتر شده است اما مردم شهر چمران که درآمدهای چندانی ندارند، به دلیل اینکه در شهر هیچ درمانگاه و مرکز درمانی وجود ندارد و هزینه بیمارستان‌های شرکت نفت نجومی است، ناچارند برای درمان به ماهشهر بروند.

این شکاف چندلایه در حالی در ماهشهر شکل گرفته است که گفته می‌شود سود خالص هرکدام از شرکت‌های پتروشیمی در این منطقه سالانه به رقمی بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. یکی از مقامات پتروشیمی که تمایلی به نوشتن نامش ندارد، می‌گوید: «با نگاهی به صورت‌های مالی شرکت‌های پتروشیمی که همه آنها هم در بورس هستند (تقریباً ۲۰ شرکت در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر فعال هستند) متوجه می‌شوید سود خالص بسیاری از آنها سالانه بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان است.» او اضافه می‌کند: «آیا در راستای مسئولیت اجتماعی، نباید این شرکت‌ها ماهانه حدود پنج درصد سود خود را صرف رفع فقر و محرومیت و ایجاد اشتغال منطقه کنند؟»

جوانان در شهرک طالقانی، چمران و سایر شهرک‌های

شهری و دارای ارزش بالا در اختیار جمعیت نفت و پتروشیمی باشد و مردم محلی در محله‌های فاقد امکانات حداقلی زندگی کنند. شهرک عرب‌نشین «طالقانی» (کوره‌ها) در ماهشهر

که از فقیرترین محلات شهری است، اکنون در کنار شهرک توسعه‌یافته شرکتی «بعثت» و «ناحیه صنعتی» قرار گرفته است؛ مساله فقط به اینجا ختم نمی‌شود.

تمام امکانات برای غیر بومیان

براساس مطالعاتی که در سال ۹۶ انجام گرفت، جامعه شرکتی در شهرک بعثت، ناحیه صنعتی و برخی نیز در ماهشهر قدیم حدود ۴۰ هزار نفر می‌شود. این نیروها و خانواده‌هایشان در مجموع چیزی حدود ۲۵ درصد از جمعیت شهرستان ماهشهر را به خود اختصاص داده‌اند اما دارای بیشترین امکانات هستند. به‌عنوان نمونه در شهرک بعثت بهترین مراکز خرید، پارک‌ها، باشگاه‌ها و بیشترین فضای سبز برای کارکنان شرکتی است ولی در اغلب موارد همانند

همان شیوه انگلیسی‌ها، مردم محلی اجازه استفاده از سینما، آموزشگاه‌های حرفه‌ای، باشگاه‌های ورزشی و تفریحی و میهمانسراها را ندارند. یکی از مدیران شرکت پتروشیمی می‌گوید: «شما در کل شهر چمران یک

هرچه داری از تو بگیرند. گاهی دوست داشتیم فریاد بزنم به‌خدا خودم هم از بودنم در اینجا راضی نیستم.» شاید مردم بومی حق دارند، تصور اینکه غیربومیان در خانه‌های لوکس و چندخوابه زندگی کنند و کمی آن‌سوتر در یک خانه محقر زندگی کنند، حتی من را آزار می‌دهد چه برسد به مردم شهرک طالقانی و چمران. همین خشم از غیربومی‌ها در اعتراضات هم خود را نشان می‌داد. یکی از کارکنان شرکت پتروشیمی می‌گفت: «وقتی جاده چمران و امیدیه به سمت ماهشهر را بستند، بلند می‌گفتند هدف ما ضربه‌زدن به شرکت‌هاست تا غیربومی‌ها بروند.» با یک خنده تلخ ادامه می‌دهد: «خیلی‌هایشان خدایی بدبخت بودند، حالا بماند که عده‌ای فضا را رادیکال کردند.»

شرکتی‌ها هرچند غیربومی هستند و تصمیمات مقامات آنها را از مردم بومی جدا کرده است، اما با این حال بی‌توجه به وضع مردم نیستند. کارکنان شرکت‌ها با تشکیل گروه‌های خودجوش خیریه و... کمک‌های زیادی به فقرا و محرومان منطقه کرده‌اند. یکی از همین کارمندان می‌گوید: «من خودم خیلی‌ها را سراغ دارم که سرپرستی تعدادی خانواده بدسرپرست یا بی‌سرپرست را برعهده دارند.» او به نقل از رئیس کمیته امداد ماهشهر که از دوستان قدیمی‌اش است، می‌گوید: «بیشترین کمک‌های ما از ناحیه کارکنان پتروشیمی‌هاست. آنها انصافاً انسان‌های سخاوتمندی هستند.» کارمندان و مدیران شرکت‌ها خودشان خوب می‌دانند که این کمک‌ها تنها تسکینی موقت است. آنها که سال‌ها در این شهرک‌ها زندگی کرده‌اند و بیش از هر کسی با نگاه غضب‌آلود مردم بومی آشنا هستند، تنها راه‌هایی از این وضعیت را «ایجاد کارخانه‌های تولیدی در شهر چمران و شهرک طالقانی» می‌دانند تا از این طریق مشکل اشتغال جوان‌های منطقه حل شود و پتانسیل عظیم آنها که از قوم غیور و مقاوم عرب هستند، وارد عرصه تولید شود.

اقدامات شرکت نفت و پتروشیمی در این شهر بندری باعث شده نارضایتی عمیقی بین مردم این مناطق به وجود بیاید. صدای این مردم که عمدتاً فقیر و فاقد ابزاری برای بیان مشکلات‌شان هستند، در هیاهوی پایتخت نشینان و خیلی‌های دیگر سال‌هاست گم شده است، کسی صدای آنها را نمی‌شنود و وقتی هم حوادثی مانند آنچه پس از گرانی بنزین در این شهر اتفاق بیفتد شکل می‌گیرد، این رسانه‌های ضدانقلاب وغریبی هستند که به میدان می‌آیند و اعتراض مردم بومی به تبعیض و فقری را که مقصر اصلی آن شرکت نفت و مدیران رده‌بالای آن هستند، اعتراض به جمهوری اسلامی می‌خوانند. مردم شهرک طالقانی، چمران، هندیجان، ماهشهر و... اعتراض دارند؛ اعتراض به سیاست‌های شرکت نفت؛ اعتراض به شرکت نفت، اعتراض به جمهوری اسلامی نیست. این دیوارهای زحمت بین مردم بومی و شهرک‌نشینان را بردارید.

تصور اینکه غیر بومیان در خانه‌های لوکس و چندخوابه زندگی کنند و کمی آن‌سوتر در یک خانه محقر بیش از ۱۰ نفر از مردم بومی که حافظان خوزستان هستند زندگی کنند، حتی من را آزار می‌دهد چه برسد به مردم شهرک طالقانی و چمران.

همین خشم از غیر بومی‌ها در اعتراضات هم خود را نشان می‌داد



خبر

مالیات ۱۵۰۰ میلیارد تومانی نهادهای انقلابی در لایحه بودجه ۹۹

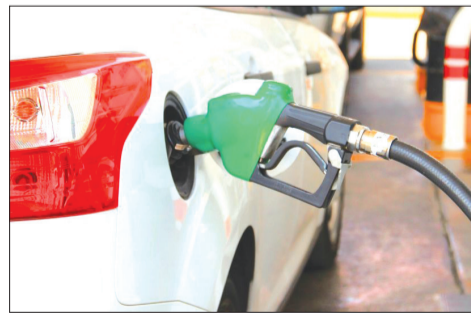


عنوان شده است شرکت‌های استان قدس رضوی که ماهیت موقوفه‌ای دارند، مالیات خود را به خزانه پرداخت می‌کنند و از آنجا که موقوفه‌ها معاف از مالیات هستند، منابع مالیاتی مذکور صرف فعالیت‌های محرومیت‌زایی فرهنگی و اجتماعی آستان قدس رضوی می‌شود و این رقم برای سال ۱۳۹۹ حدود ۶۵ میلیارد تومان است. در ادامه این توضیح آمده است علت درج عدد یک در ردیف‌های درآمدی نهادهای ذکرشده استفاده حد اکثری از ظرفیت تحقق منابع مربوطه بوده که صرف هزینه‌هایی مانند عدالت آموزشی و تجهیز آموزشگاه‌های آموزش و پرورش با اولویت مناطق محروم موضوع ماده ۸۷ قانون تنظیم‌بخشی از مقررات مالی دولت (۲) می‌شود.

سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد تمام فعالیت‌های اقتصادی در نهادهای انقلاب اسلامی اعم از بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی فرمان امام(ره) در قالب شرکت‌ها صورت می‌گیرد و این نهادها مالیات خود اعم از مالیات بر عملکرد، مالیات بر ارزش افزوده و مالیات تکلیفی را پرداخت می‌کنند.

به گزارش «فرهیختگان» به نقل از مرکز اطلاع‌رسانی، روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان برنامه و بودجه کشور، با توجه به مطالب منتشرشده در رسانه‌ها در مورد مالیات نهادهای انقلاب اسلامی، سازمان برنامه و بودجه کشور توضیح‌های مهمی منتشر و تاکید کرد جداول بودجه دارای مبنای محاسباتی خاص بوده و به‌صورت حرفه‌ای تنظیم می‌شوند، به همین دلیل برای روشن شدن افکار عمومی بر چند نکته تاکید می‌شود.

در این توضیح تصریح شده است تمام فعالیت‌های اقتصادی در نهادهای انقلاب اسلامی اعم از بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی فرمان امام(ره) در قالب شرکت‌ها صورت می‌گیرد و این نهادها مالیات خود اعم از مالیات بر عملکرد، مالیات بر ارزش افزوده و مالیات تکلیفی را پرداخت می‌کنند که این رقم برای بودجه سال ۱۳۹۹ حدود هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود. در توضیح مذکور همچنین



سال گذشته حدود ۱۰۰۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد که تحقق این درآمد با توجه به تجارب گذشته غیرممکن به نظر می‌رسد. بنابراین با توجه به این بندهای درآمدی بودجه که بعضاً غیرممکن و مضر است، نیاز به اتخاذ تدابیر جدی در این زمینه وجود دارد. بدیهی است که برای سال آینده، اگر از نگاه دو بخش مهم اقتصاد یعنی دولت و مردم به قضیه نگاه شود، از نگاه مردم یک کشور عدم تورم و کاهش قیمت‌ها مهم‌ترین فاکتور و از نگاه دولت، غیر از کنترل تورم، جبران کسری بودجه نیز از اولویت‌های مهم است. با توجه به بندهای درآمدی بودجه، سه دلیل عمده برای تورم‌زا بودن بودجه سال آینده وجود دارد: اول آنکه با توجه به بندهای مختلف لایحه بودجه، امکان کسری بودجه وجود خواهد داشت و دلیل آن پیش‌بینی عدم تأمین ۴۹۵۰۰ میلیارد تومانی منابع از فروش اموال و نیز پیش‌بینی عدم فروش یک میلیون بشکه نفت در روز و عدم تأمین منبع ۴۸۰۰۰ میلیارد تومانی از این محل است. دومین دلیل برای تورم‌زا بودن بودجه افزایش پرداخت نقدی در قالب پاره‌ها و طرح میشتی است که آن هم عامل تحریک‌کننده تورم بوده و سومین عامل مستقیم تأثیرگذار در این خصوص کاهش اختصاص ارز از ۱۴ میلیارد دلار به ۱۰ میلیارد دلار در سال برای کالاهای اساسی است که می‌تواند تأثیر ۳۰ درصدی بر تورم داشته باشد. بنابراین مشخصاً برای بودجه سال آینده پیشنهاد می‌شود قیمت بنزین کاهش یابد و قیمت آن حداکثر تا ۲۰۰۰ تومان و تک‌نرخ و بدون سهمیه باشد و پارانه معیشتی نیز تبدیل به کالا برگ برای افراد نیازمند شود، با این سیاست با سه اتفاق مثبت رویه رو خواهیم بود:

آزمون تاریخی برای مجلس

تصمیم‌گیری در خصوص بودجه ۹۹

یادداشت

سید یعقوب زراعت‌گیش

دانشیار اقتصادی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

حدود هفت ماه پیش در یادداشتی در سایت خبری تابناک به تحلیلی در خصوص سناریوهای بنزینی دولت پرداخت (لینک یادداشت پیوست است) که در آن یادداشت مشخصاً سناریوی بنزینی دولت پیش‌بینی شده و هشدار داده شده بود که بنزین دو نرخی و سه هزار تومانی تبعات اقتصادی جدی برای کشور دارد و از طرفی پرداخت نقدی به مردم در قالب طرح بنزین، قبل از آنکه کمکی به معیشت مردم باشد، خود باعث افزایش نقدینگی شده و نهایتاً تورم‌زا است و با تورمی که به وجود می‌آید تأثیری بر معیشت افراد نخواهد داشت که متأسفانه تصمیم‌گیران و دولت توجهی به نکات کارشناسی و فنی مطرح‌شده نشان ندادند. در بودجه سال ۹۹ درآمدی حدود ۸۰ هزار میلیارد تومانی از طریق فروش اوراق اسلامی پیش‌بینی شده است که در صورت اجراء متغیری به شدت تورم‌زا در آینده است و کسری بودجه دولت را به سال‌های آینده منتقل می‌کند، بدیهی است این بند، از اشکالات شدید سیاستی در بودجه است. از دیگر محورهای درآمدی بودجه سال آینده که دولت به‌منظور جبران کاهش درآمد‌های نفتی پیش‌بینی کرده، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای حاصل از فروش اموال منقول و غیرمنقول است که حدود ۴۹۵۰۰ میلیارد تومان درآمد از این محل پیش‌بینی شده است. بدیهی است این میزان نسبت به ۴۵۰۰ میلیارد تومان